

بازتاب پایداری و بیداری اسلامی در لالایی‌های کُردی (مطالعهٔ موردی لالایی‌های بیداری هزار و ملاآواره)

زهرا جمشیدی*
 و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

چکیده

پژوهش حاضر درصدد بررسی لالایی‌هایی بیداری کُردی هزار و ملاآواره، دو تن از شاعران مبارز در دوران حکومت پهلوی است (مسأله). این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای (روش) به تحلیل سیاسی لالایی‌های بیداری هزار و ملاآواره می‌پردازد. براین پژوهش گویای آن است که در ادبیات کُردی، لالایی یکی از ابزارهایی بوده‌است که شاعران آزادی‌خواه به وسیلهٔ آن‌ها روحیهٔ ایستادگی در برابر حکومت پهلوی را به کودکان منتقل می‌کردند. ساختار لالایی‌های مورد مطالعه، یکسان و کارکردی مبارزاتی دارند. هر دو شاعر، لالایی‌ها را با بیانی عاطفی در قالب نوازش کودک و صبر مادر در برابر گریه‌های طفل آغاز می‌کنند. آنگاه با بیانی نمادین، گریه‌های کودک را مقدمه‌ای برای دردها و گریه‌های بزرگ سالی معرفی و بند قنடاق را به بند و زنجیر حکومت پهلوی تشبیه کرده‌اند. سپس، شاعران از زبان مادر اندوه ناشی از بیداد رژیم پهلوی را با روشی واقع‌گرا بیان و پس از آن با زبانی حماسی، اصل و نسب و شرافت ایرانیان و قوم کُرد را ذکر و کودک را به مبارزه و پایداری تهییج می‌کنند. درنهایت، شاعران کسب دانش و مبارزهٔ قلمی را یکی از راه‌های ضربه‌زدن به استبداد معرفی می‌کنند و از کودک می‌خواهند همواره در راه کسب دانش پرتلاش باشد. به دلیل کارکرد مبارزه‌ای و بستر مشترک فرهنگی و زبانی، لالایی‌های مورد مطالعه، تفاوت آشکاری با یکدیگر ندارند (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: ادبیات مقاومت، ادبیات کُردی، لالایی‌های بیداری و پایداری، هزار، ملاآواره.

دریافت: ۱۴۰۲-۰۲-۲۹

* نویسنده مسئول z.jamshidi@hsu.ac.ir

پذیرش: ۱۴۰۲-۰۸-۲۷

صفحات مقاله: ۹۷-۷۷

۱. مقدمه

ادبیات شفاهی، دربرگیرنده مفاهیمی ناب و اساسی از زندگی طبقات مختلف جامعه است و شامل انواع قصه‌ها، مثل‌ها، ترانه‌ها و... می‌شود که هر کدام از این موارد، خود حامل بخش عظیمی از ظرایف فرهنگی یک تمدن‌اند. در این میان، ترانه‌ها در ادبیات عامه جایگاهی ویژه دارند. همان‌گونه که محتوای ادبیات رسمی شامل انواعی مانند ادب حماسی، ادب نمایشی، ادب غنایی و... است، ترانه‌های عامیانه نیز مضامین مختلفی را در خود دارند. تصنیف‌های کشت و کار و برداشت محصول، ترانه‌های بازی، عاشقانه‌های عامیانه، مثل‌های منظوم و لالایی‌ها از مضامین اصلی ترانه به حساب می‌آیند.

لالایی از قدیمی‌ترین و معروف‌ترین ترانه‌های عامیانه ایرانی است و قدمتی به درازای تاریخ مادری دارد؛ چراکه لالایی، ترانه‌ای آرامش‌بخش است که مادر برای به خواب رفتن کودک، از آن بهره می‌جوید. محتوای لالایی‌های ایرانی، آشکارکننده دغدغه‌ها، آمال و آرمان‌های زن ایرانی در طی اعصار مختلف است و توجه به مفاهیم مندرج در آن‌ها، می‌تواند بخش مهمی از فرهنگ توده را در هر دورانی آشکار سازد. این بخش از ترانه‌های عامیانه، زبان و لحنی صمیمی و ساده دارند و علاوه بر محبت مادری و آرزوهای مادر برای کودک، بیانگر مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی است (رک: عمرانی، ۱۳۸۱) و از این روی، شایسته است که در علم مردم‌شناسی نوین مدنظر قرار گیرد.

در میان لالایی‌های ایرانی، لالایی قومیت‌های مختلف دارای تشخیص است. لالایی اقوام مختلف ایرانی، در عین اشتراک در بن‌مایه‌های اصلی لالایی، از نظر شرایط روانی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی هر قومی با دیگر اقوام تفاوت‌هایی دارد. لالایی‌های اقوام، بخش قابل توجهی از ترانه‌هایی را تشکیل می‌دهند که با طبیعت و زندگی مردم پیوندی عمیق یافته‌اند و نشان‌دهنده ابعاد مختلف مادی و معنوی فرهنگ هستند (میهن‌دوست، ۱۳۵۵). این سروده‌های ساده و مادرانه، در درون خود حاوی نکات ارزنده‌ای از دغدغه‌های زنان در طول تاریخ است. با نگاهی به درون‌مایه این لالایی‌ها، مضامینی مانند «محبت مادر، نگرانی و هشدار، آرزوها، گلایه‌ها، ترساندن، طبیعت و محیط زندگی، مسائل اجتماعی و اقتصادی، اشتغال، مسائل زنان، ظلم و جور اجتماعی، مذهب و برخی اشارات تاریخی» (عمرانی، ۱۳۸۱) دیده می‌شود.

در ادبیات کلاسیک نیز، لالایی جایگاهی درخور توجه دارد و با عنوان لالایی‌های رسمی از آن‌ها یاد می‌شود. این نوع از لالایی‌ها در نتیجه تلاقی سنت و مدرنیسم و عزیمت لالایی‌های

عامیانه^۱ شفاهی به ادبیات مکتوب به وجود آمده‌اند. با توجه به این که در مدرنیته^۲ ادبی، نقل شفاهی تا حدود بسیاری جایگاه خود را از دست می‌دهد، لالایی‌های رسمی مجال شناخت پدیدآورندگان خود را فراهم می‌کنند (پارسا و حسین‌پناهی، ۱۴۰۲).

لالایی‌های کُردی، بخش مهمی از فرهنگ عامیانه^۳ مناطق کردنشین را شامل می‌شود. از گذشته‌های دور، در استان‌های کردنشین، به‌ویژه در کردستان، کرمانشاه و ایلام، لالایی یکی از ابزارهای تربیتی خانواده‌ها بوده است (رک: جلیلیان، ۱۳۸۶). در این مناطق، از نخستین روزهای تولد طفل، مادر و بستگان نزدیک طفل از جمله خاله و مادر بزرگ و گاه پدر و پدر بزرگ، با نوایی گیرا پاره‌ای از مضامین تربیتی را برای کودک بازگو می‌کنند. یکی از اصلی‌ترین مضامین لالایی‌های کُردی، ترغیب طفل به وطن‌دوستی، آزادگی، پابندی به سنت‌های قومی و وطنی، دفاع از حق و مقابله با ظلم است (همان). در بخش مهمی از لالایی‌های کُردی، شاهد دعوت به بیداری و آگاهی طفل از طریق مضامین وطنی و اسلامی هستیم. نگارنده در جستار پیش‌رو بر آن است که لالایی‌های بیداری دو تن از شاعران کرد متخلص به «هزار» و «ملا آواره» را بررسی و عناصر بیداری و پایداری آن‌ها را تحلیل کند.

۱-۱. پیشینه^۴ تحقیق

درباره^۵ لالایی در فرهنگ قوم کرد و ادبیات پایداری، پژوهش‌های چند انجام شده است. در این بخش به نزدیک‌ترین پژوهش‌های مرتبط با مقاله حاضر اشاره می‌شود. ریاحی و سعیدی (۱۳۸۵) در مقاله^۶ «لالایی‌های مادران کرد (با تأکید بر مضامین مذهبی)» با بررسی مضامین لالایی‌های کُردی، به صبغه^۷ دینی و مذهبی این لالایی‌ها پرداخته و تأکید کرده‌اند که پابندی به اصول مذهبی، یکی از اصلی‌ترین مضامین لالایی‌های کُردی است. جلیلیان (۱۳۸۶) نیز در پژوهشی با عنوان «شعر کلاسیک کُردی: مروری بر ادبیات کودک و نوجوان در زبان کُردی»، با بررسی بخش‌های مختلف ادبیات کودک و نوجوان در زبان کُردی، اذعان می‌دارد که لالایی که در زبان کُردی لاوه لاوه خوانده می‌شود، یکی از بخش‌های مهم ترانه‌های کودکان^۸ کُردی است که بیشتر برای آرامش کودک استفاده می‌شود. کتاب *ژانه ژین: لالایی مادران کرد* از سلیمی و کهریزی (۱۳۸۷)، یکی دیگر از آثاری است که به لالایی‌هایی کُردی می‌پردازد. در این کتاب لالایی‌های کُردی مناطق کردزبان ایران و جهان جمع‌آوری و سپس به زبان فارسی ترجمه شده و در حد امکان توضیحاتی درباره^۹ هر یک از این لالایی‌ها داده شده است. جعفری (۱۳۹۵) نیز در پایان‌نامه^{۱۰} بررسی اشتراکات محتوایی لالایی‌ها در گونه‌های زبانی غرب ایران ضمن اشاره

به این که درون‌مایهٔ لالایی‌های ایرانی مناطق مختلف دارای شباهت بسیاری با یکدیگر هستند، بیان می‌دارد که لالایی‌های غرب ایران بیشتر بیان‌گر احساسات و عواطف مادران بوده و بر مضامینی از جمله دعا برای سلامتی و عاقبت‌به‌خیری کودک، ترس از قدرنشاسی او در آینده، دغدغهٔ بی‌توجهی شوهر و نگرانی از آمدن هوو و... استوار است. حبیبی (۱۳۹۶)، در پایان‌نامهٔ خود با عنوان بررسی جامعه‌شناختی ترانه‌های فولکلور کردی (با تأکید بر لالایی‌ها)، به این نتیجه رسیده است که لالایی‌های کردی، مستقل از زمینه‌ها و بسترهای جامعه نبوده و مثل آئینه‌ای واقعیت‌های اجتماعی را منعکس کرده است. ژاله (۱۳۹۸) در پایان‌نامهٔ بررسی عناصر ادب پایداری در لالایی‌های فارسی، بر این عقیده است که عناصر مذهبی از جمله یادکرد امامان معصوم (ع) در خلق مایه‌های پایداری در لالایی‌های فارسی نقش‌آفرینی کرده و باعث به‌وجودآمدن درون‌مایه‌های ایستادگی و مقاومت در اندیشهٔ کودکان شده است. خیرمقدم (۱۳۹۹) در پایان‌نامهٔ خود تحت عنوان مطالعهٔ ساختار محتوایی، فرهنگی و اقلیمی در لالایی‌های کردزبان ایران، به بررسی تأثیر عناصر اقلیمی و فرهنگی مناطق کردزبان بر خلق درون‌مایه‌های لالایی پرداخته و نتیجه گرفته است که بخش مهمی از لالایی‌هایی کردی، با توجه به مؤلفه‌های اقلیمی به‌وجود آمده‌اند. مشتاق‌مهر و فیضی (۱۳۹۹)، در مقالهٔ «سیمای جامعهٔ کرد در لالایی‌های کردی»، سیمای جامعه و فرهنگ مردم کردزبان را از لابه‌لای لالایی‌های کردی کتاب ژانه ژین بررسی می‌کنند. یافته‌های این پژوهش گویای آن است که صدای زنان، معتقدات مذهبی، عقاید خرافی، مسائل سیاسی، وضعیت معیشتی و مراودات و ارتباطات، بازی‌ها، داستان‌ها، حکایت‌ها و ویژگی‌های اقلیمی در لالایی‌های کردی بازتاب یافته‌است. دربارهٔ لالایی‌های بیداری می‌توان به این مورد اشاره کرد: پارسا و حسین‌پناهی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای مشترک با عنوان «تحلیل و بررسی لالایی‌های بیداری»، به تحلیل و بررسی لالایی‌های بیداری میرزا علی‌اکبر صابر (۱۲۴۱ - ۱۲۹۰ ش)، ابوالقاسم لاهوتی (۱۲۶۶ - ۱۳۳۵ ش) و سید اشرف‌الدین گیلانی (۱۲۴۹ - ۱۳۱۳ ش) می‌پردازند. نگارندگان اذعان دارند که شناساندن این گونه لالایی‌ها، دلایل سرایش آن‌ها، تحلیل ساختار و محتوای آن‌ها و تفاوت‌های این گونه لالایی‌ها با لالایی‌های مرسوم از اهداف این پژوهش است.

همان گونه که از این پیشینه مشخص است، تاکنون پژوهشی مستقل که به مضامین بیداری اسلامی و پایداری در لالایی‌های هزار و ملاًآواره پرداخته باشد، انجام نشده است.

۲-۱. ضرورت تحقیق

ویژگی‌های رفتاری هر انسانی ریشه در کودکی و تربیت‌های نخستین پدر و به‌ویژه مادر دارد. اگر جامعه‌ای درصدد تربیت نسل‌هایی آزاده و وطن‌دوست است باید از ابتدا در حوزهٔ کودک و نوجوان سرمایه‌گذاری کند. این مهم در ادب عامیانهٔ برخی از قومیت‌های ایرانی، به شکلی چشمگیر تداعی پیدا کرده است. قوم کرد در شمار اقوامی است که در ترانه‌های عامیانه از جمله در لالایی‌ها، روحیهٔ ظلم‌ستیزی، دفاع از حق، مقاومت در برابر سختی‌های روزگار، بیداری اسلامی و... را به‌صورت شفاهی، نسل به نسل منتقل می‌کند. لالایی‌های کردی خاستگاهی مناسب برای تربیت نسل‌هایی آزاده، شریف، مذهبی و انقلابی است و از این‌رو شایسته است که در این زمینه، پژوهش‌های بسیاری در حوزهٔ مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی انجام پذیرد.

۱-۳. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش کتابخانه‌ای و روش تحلیل داده‌ها به‌صورت کیفی و توصیفی-تحلیلی است. نگارنده درصدد است با بررسی و تحلیل مضامین مقاومت و بیداری در لالایی‌های کردی هزار و ملاًآواره، کارکرد مبارزه‌ای این لالایی‌ها علیه حکومت پهلوی را بکاود. گفتنی است که در این پژوهش از لالایی‌های مکتوب کتاب‌خانه‌ترین استفاده خواهد شد.

۱-۴. مبانی نظری تحقیق

۱-۴-۱. فرهنگ عامه

بخش مهمی از فرهنگ هر ملتی، فرهنگ عامهٔ آن ملت است. اصطلاح فرهنگ عامه در ادبیات جهان معادل فولکلور است. فولکلور از دو جزء folk و lore تشکیل شده که روی هم به‌معنای فرهنگ عوام است (رک: محجوب، ۱۳۸۷). آن‌چه که مسلم است این است که فرهنگ عامه شامل عناصر مادی و معنوی هر قومی می‌شود و دربردارندهٔ بخش‌سترگی از تمدن هر ملتی است. ذوالفقاری عناصر مادی را به ابزارها، مسکن‌ها، خوراک‌ها، پوشاک‌ها، پیشه‌ها و مشاغل و اقتصاد و معیشت تقسیم می‌کند و عناصر معنوی را شامل آداب‌ورسوم، آیین‌های ملی و مذهبی، هنرهای قومی، سرگرمی‌ها، ادبیات عامه، زبان عامه، آموزش و تربیت و باورها و عقاید می‌داند (رک: ذوالفقاری، ۱۳۹۴). یکی از وجوه بارز و تشخیص فرهنگ عامه، انتقال شفاهی یا سینه‌به‌سینهٔ آن است و این موضوع در ادبیات عامه بیشتر قابل ادراک است. این ادبیات «حاصل اندیشه و تجربهٔ گذشتگان است که در سینه‌ها به زندگی خود ادامه داده و یادگارهای نسل‌های پیشین را به نسل حاضر رسانده است» (عمرانی، ۱۳۸۱).

۱-۴-۲. ادبیات پایداری

ادبیات پایداری گونه‌ای از ادبیات است که هم در ادبیات رسمی حضور دارد و هم در ادبیات شفاهی و غیررسمی. این نوع از ادبیات، واکنش روح شاعران و نویسندگان به ظلم و ستم و تباہی و پلشتی است و از این روی روحیه‌ای مبارزه‌ای و مقاومتی را اشاعه می‌دهند. «هدف ادبیات پایداری انتقال فرهنگ مقاومت از نسلی به نسل دیگر و از تاریخی به تاریخ دیگر است» (زندرحیمی و همکاران، ۱۳۹۹). صرفی، دربارهٔ مفهوم پایداری معتقد است که پایداری دربردارندهٔ دو مفهوم سلبی و ایجابی است. در مفهوم سلبی، پایداری نوعی ایستادگی در برابر چیزهایی است که در نظر انسان ناپسند بوده و خواهان خروج آن‌ها از زندگی خود است. در مفهوم ایجابی، پایداری به‌معنای تأکید و دفاع از چیزهایی است که انسان با معیارهای گوناگون آن‌ها را مفید می‌داند و حذف آن‌ها از زندگی خود را موجب بی‌ارزش شدن زندگی می‌داند (رک: صرفی، ۱۳۹۳).

ادبیات پایداری به آثاری اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، استعمار خارجی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، مقابله با پایگاه‌های قدرت، غصب سرزمین، تضعیف سرمایه‌های ملی و فردی و... شکل می‌گیرند (رک: سنگری، ۱۳۸۳). برخی از آثار ادبیات پایداری، پیش از رخ نمودن مصائب ملی و قومی و برخی پس از آن به نگارش درمی‌آیند (رک: شکری، ۱۳۶۶). با توجه به مفهوم پایداری، دایرهٔ این ادبیات گسترده و شامل بسیاری از سروده‌ها و نوشته‌های رسمی و غیررسمی می‌شود. یکی از بخش‌های ادبیات پایداری، بیداری اسلامی است. «بی‌شک بیداری اسلامی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین پدیده‌های سیاسی-اجتماعی قرن حاضر است. بیداری اسلامی یک مفهوم ترکیبی است از دو واژهٔ بیداری و اسلامی. بیداری به‌معنای حیات و زندگی است و همچنین به‌معنای فعال شدن هوش و آگاهی به کار می‌رود و اسلامی به مفهوم تبعیت و پیروی از آموزه‌های اسلامی است» (طالب‌پور، ۱۴۰۱).

۱-۴-۳. لالایی‌های بیداری

لالایی، نوایی دل‌نشین است که با ریتمی آرام و مکرر، نخستین ارتباط میان کودک و ادبیات را برقرار می‌کند. لالایی «در لغت به‌معنی غلامی، بندگی، خدمتکاری، تربیت بزرگ‌زادگان، قسمی پارچهٔ بی‌ارزش است و در مبحث ادب آوازی که مادران و دایگان برای خواب کردن طفل شیرخواره می‌خوانند» (داد، ۱۳۸۵). لالایی یکی از بخش‌های مهم و معروف ترانه‌های ایرانی است که قدمتی بسیار طولانی دارد. این قدمت و دیرپایی لالایی، برآمده از مسائل اجتماعی ادوار

مختلف است و در واقع لالایی «نه مسأله‌ای تاریخی، بل معنایی باستان‌شناختی دارد» (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۷۷).

از آن‌جا که لالایی‌ها جزء ترانه‌های عامیانه محسوب می‌شوند، سراینده بسیاری از آن‌ها، به‌ویژه لالایی‌های نخستین مشخص نیست. آنچه که در لالایی‌ها محسوس و قابل توجه است، سادگی، صراحت و صمیمیت موجود در آن‌هاست که این ویژگی در ذات مادرانگی این ترانه‌ها موج می‌زند. در این اشعار عامیانه، با سروده‌هایی مواجهیم که پیوند میان روح مادر و کودک است و به تبع، پاکی و خلوص این دو روح، بر لحن و محتوای این ترانه‌ها نیز تأثیر گذاشته است. مادر در لالایی ضمن نوازش کودک و تشبیه او به زیباترین مظاهر طبیعت و زندگی، از جور دنیا شکایت‌ها و از همراهی زمانه شادی‌ها می‌کند. او همه زیبایی‌ها را به فرزند نسبت می‌دهد و همه خوبی‌ها را برای او می‌خواهد. آهنگ این ترانه‌ها، حرکت ملایم رفت‌وآمد گهواره و حالت اندوه‌بار زنی که در کنار آن، سعی در خواباندن طفل و گشایش بار دل را دارد، تداعی می‌کند (رک: عمرانی، ۱۳۸۱ و صفی‌زاده، ۱۳۷۵).

با این‌که اصولاً کارکرد لالایی در طول تاریخ، برای خواب و آرامش طفل بوده، اما در برخی از برهه‌های تاریخی در ادبیات رسمی و غیررسمی، شاهد لالایی‌هایی هستیم که هدف از سرایش آن، بیداری و هشیاری کودکان و بزرگسالان است. «گزینش واژگانی متناسب با محتوا و مضمون متن که در ساختار آن‌ها دعوت به بیداری، بصیرت سیاسی و آگاهی‌بخشی نسبت به وضعیت موجود وجود دارد و همچنین لحن حماسی آن‌ها سبب تمایز این نوع لالایی» (پارسا و حسین‌پناهی، ۱۴۰۲) از سایر لالایی‌ها شده است.

۲. بیان مسأله

مردم‌شناسی یکی از علوم است که در سده‌های اخیر، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. این علم، آینه تمام‌نمای جوامع است؛ یعنی می‌تواند علل به‌وجود آمدن سازمان‌ها و بنیان‌های کهن فرهنگی جامعه بشری را که برخی در جوامع معاصر رایج و برخی دیگر متروک شده‌اند، کشف نماید. مردم‌شناسی، شاخه‌های گوناگون دارد که یکی از اصلی‌ترین شاخه‌های آن، مردم‌شناسی فرهنگی است که بخش عظیمی از آداب و رسوم، علم، هنر، دین، دولت و ادبیات عامیانه و شفاهی را شامل می‌شود (رک: گاربارینو، ۱۳۷۷). بنیان‌های فرهنگی و فکری هر جامعه‌ای که نمود بارز آن در ادب و فرهنگ عامیانه آن منعکس می‌شود، از مباحث مردم‌شناسی

به حساب می‌آید. از این‌روی، انواع مختلف ادب عامیانه؛ از جمله ترانه و لالایی نیز به دلیل شناساندن فکر و فرهنگ عامیانه^۱ یکی مکت، قابل اعتنا و بررسی است.

مضامین لالایی‌ها مختلف و تحت تأثیر شرایط اقلیمی و اجتماعی است. هدف لالایی‌های کردی، هم‌چون سایر لالایی‌های ایرانی آرامش طفل و مادر است که در ضمن آن، بسیاری از درونیات اجتماعی، سیاسی و عاطفی مادر و قوم نیز بیان می‌شود. لالایی در زبان کردی لای لای یا لاه لاه از مصدر لاواندن به معنای به آرامش رساندن است (جلیلیان، ۱۳۸۶). شعرهای لاه لاه ده‌هجایی و الگوی قافیه دو و گاهی سه‌مصراع است. زبان و بلاغت لاه لاه‌ها ساده و گاه کودکانه است. در بخش اعظمی از لاه لاه‌های قدیمی کردی، به امیدهای بر باد رفته^۲ زیر ظلم مالکان و خان‌ها و درد جور ظالمان و رؤیاهای از دست رفته^۳ آزادی از جور ناکاران و ایستادگی و مقاومت در برابر ستمگران و آگاهی زیر سایه^۴ مضامین اسلامی اشاره‌های بسیار شده است (رک: حبیبی، ۱۳۹۶ و جعفری، ۱۳۹۵). به عبارتی دیگر، بیشتر لالایی‌های کردی، لالایی خواب‌آور نیست، بلکه لالایی‌های بیداری هستند و ذیل مبحث ادبیات پایداری قرار می‌گیرند.

لالایی‌های بیداری، هم در ادبیات رسمی و هم در ادبیات عامیانه وجود دارند. در حالت عامیانه و شفاهی، بیشتر بر اساس درد دل مادر یا گوینده^۵ لالایی برای کودک نمود پیدا می‌کند و به دلیل ماهیت عامیانه‌اش، سراینده^۶ آن مشخص نیست و زبان و بیانی ساده دارد، اما این لالایی‌ها در حالت رسمی و مکتوب، سراینده^۷ مشخص دارند، مخاطبان آن تنها کودکان نیست و بزرگ‌سالان را هم شامل می‌شود و با اهداف سیاسی سروده شده‌اند. این نوع از لالایی‌ها، از نظر زبان و بیان، ادبی و بهره‌مند از عناصر بلاغی هستند (پارسا و حسین‌پناهی، ۱۴۰۲).

سرودن لالایی‌های رسمی بیداری، در دوران مشروطه با هدف آگاهی مردم رواج پیدا کرد. در این دوران میرزا علی‌اکبر صابر (۱۲۴۱-۱۲۹۰ ش)، ابوالقاسم لاهوتی (۱۲۶۶-۱۳۵۵ ش) و سید اشرف‌الدین گیلانی (۱۲۴۹-۱۳۱۳ ش) مهم‌ترین شاعرانی به‌شمار می‌روند که به سرودن لالایی‌های بیداری معروف هستند (پارسا و حسین‌پناهی، ۱۴۰۲) و به‌عنوان الگویی برای شاعران دیگر قومیت‌های ایران ظاهر شده‌اند. نکته^۸ جالب این‌جاست که این موضوع منحصر به زبان فارسی نماند و در زبان کردی در دوره‌های بعد از جمله در زمان پهلوی اول و پهلوی دوم، نیز شاعرانی نامبردار مثل هژار، بی‌کس، قانع، ملاآواره و جهانی نیز به تبعیت از این لالایی‌ها، لالایی‌های بیداری کردی سرودند.

قبل از انقلاب اسلامی ایران، یکی از مهم‌ترین ابعاد پایداری و بیداری اسلامی در ایران، به دست زنان انجام می‌شد. تأثیرگذاری زنان در بیداری اسلامی به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم بود؛ در حالت مستقیم با شرکت در مبارزات و تشکیل گروه‌ها و جنبش‌هایی مثل جنبش زنان مسلمان ایران، زنان مبارز پیشروی تهران و ... (اخترشهر، ۱۳۹۹) و به صورت غیرمستقیم از طریق تربیت فرزندان با روحیهٔ مقاومت، حفظ بنیان‌های ارزشی و اسلامی در خانواده و... . لالایی یکی از روش‌هایی بود که مادران برای تربیت فرزندان با بصیرت، آگاه و دارای روحیه‌ای انقلابی از آن بهره می‌گرفتند.

۲-۱. لالایی‌های بیداری در اشعار هزار

عبدالرحمن شرفکندی متخلص به هزار، یعنی بی‌نوا و درویش (۱۳۰۰-۱۳۶۹ ش) یکی از مهم‌ترین شاعران و شخصیت‌های ادبی کردی است. این ادیب برجسته که در حوزهٔ تحقیق و ترجمه نیز نام‌آور بوده در مهاباد در خانواده‌ای متدین دیده به جهان گشود. پدرش مشهور به ملا محمدبور، مردی روحانی و اهل کسب و کار بود، لیکن زندگی ساده و فقیرانه‌ای داشت. هزار در پنج‌سالگی نزد پدرش الفبا و قرائت قرآن را شروع کرد و بعد از آن به مکتب‌خانه و سپس به خانقاه شیخ‌برهان وارد شد و بعد از کسب مقدمات، برای بهرهٔ بیشتر، به نزد چند تن از مدرسان علوم اسلامی در روستاهای اطراف زادگاه خود رهسپار شد.

هزار در هفده‌سالگی پدر خود را از دست داد و به‌دلیل سرپرستی خانواده و تأمین معاش آن‌ها، دست از تحصیل کشید و مجبور به انجام کارهای سخت و طاقت‌فرسا شد. در این میان و در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۷ م نیروهای نظامی دولت روسیه، شمال ایران که بخشی از کردستان را هم شامل می‌شد، تحت تسلط خود گرفته بود. ظلم و جور این نیروها و نیز مزدوران شاه، مردم این مناطق را به تنگنا کشانده بود و همین امر باعث شکل‌گیری نیروهای مقاومت مردمی شده بود. در این هنگام، هزار در تشکیلاتی به نام کومه‌له ژیان و کردستان به رهبری قاضی محمد که علیه رژیم پهلوی سازماندهی شده بود، شرکت کرد (کردو، ۱۳۹۴).

پس از مدتی، دانش هزار چنان گسترده شد که ترجمه‌ای روان و گویا از کتاب *قانون ابن سینا* انجام داد. این ترجمه چنان استادانه بود که باعث شد، مترجم آن بعد از انقلاب اسلامی ایران، به عضویت فرهنگستان زبان فارسی درآید. علاوه بر ترجمه، در حوزهٔ شعر و تحقیق نیز نامبردار شد. او سال‌های بسیاری از ترس حکومت پهلوی آواره زندگی کرد. اشعار هزار دربردارندهٔ مضامین سیاسی، اجتماعی، حماسی و عاشقانه و دارای زبانی ساده است (قادرزاده و میارغنج، ۱۳۹۶). از آثار

او می‌توان به شرح دیوان اشعار شیخ احمد جزیری، ترجمه دوره کامل قانون ابن سینا در هفت جلد، فرهنگ جامع لغات کردی و ترجمه قرآن کریم به زبان کردی اشاره کرد.

همان‌گونه که اشاره کردیم اشعار سیاسی هزار باعث شده بود مورد غضب حکومت پهلوی قرار بگیرد و به دلیل عقایدش بهای سنگینی پردازد. بخشی از این اشعار در قالب لالایی‌های بیداری بوده که هنوز هم جزئی از فرهنگ کردی برای تربیت کودکان شجاع و نستوه و مبارز است. در ادامه یکی از لالایی‌های مشهور هزار با ترجمه فارسی از کتاب ژانترین نقل می‌شود.

۱-۲. آغاز آرام و غمیگن لالایی

در ابتدای این لالایی، شاعر به رسم براءت استهلال، چند بیت در وصف فرزند و ناز و نوازش او سروده است. این ابیات به نحوی است که از همان ابتدا مخاطب را آماده ورود به بحثی جدی می‌کند؛ زیرا سخن از غم و اندوهی است که بر جان شاعر فرود آمده است:

روله رووناککی گلینه چاوم	بهندی جهرگ و دل هیزی
ریحانه بون خوش	ئاو پریشکینی کولی دله کهم
چوله مه نه ستوم ره گی	ههنگوین و قهندو نوفل و نه باتم
خهوی خیرت بی بنو دره‌نگه	تا که له‌بابه به یان بی‌ده‌نگه
هه لایه‌لایه، روله لای‌لایه	ئیمشه و به‌زه‌ییت به من دانایه

ترجمه:

- عزیز دلم نی‌نی چشم‌هایم، بند دل و جان، زور زانوهایم.
- ریحانه خوش‌بو، گل سرخ من، آب پاشیده بر دل سوزانم.
- رنگ زندگی، رگ حیاتم، انگبین و قند و نقل و نباتم.
- خوابت خیر باشد بخواب کوچولو، تا هنگام صدای خروس در صبح.
- لالا لالا فرزندم لالا، امشب غمت را برایم فرستادی.

۲-۱-۲. تصویرسازی بند و زنجیر و امید به آزادی

در ادامه ابیات این لالایی، شاعر از گریه‌ها و بی‌قراری‌های کودک به دلیل بند محکم قنداق سخن می‌گوید و با زبانی شاعرانه، علت قنداق سخت و سنگین او را، میل به مقاوم بار آوردن کودک می‌داند. شاعر با زبانی لالایی به طفل می‌گوید: از همین حالا باید به بند و زنجیر و اسارت خو بگیری، زیرا با ظلم ظالمان، سرنوشتی جز بند و زنجیر اسارت در انتظار تو نیست. او امیدوارانه

و با اندوهی سترگ، از همان طفولیت، کودک را به مقاومت و شجاعت خو می‌دهد؛ زیرا معتقد است در برابر جور حکومت پهلوی باید ایستاد و در راه ایستادگی، بند و زنجیر اولین مرحلهٔ اسارت است:

له داخی لانک ده‌گری ده‌زانم	ژیر به‌و رولهٔ ژیر و جوانم
به‌وبه‌ندو چه‌پسه من	ده‌لهٔ بو چه‌پسه بو ده‌سته
ئه‌و به‌ندوقوفل و قورازه چیه؟	له نیو کورد نه بی ده‌سرازه نیه
ده‌سرازه و لانک بت بی چاتره	کورم من بیرم له تو زیادتره
گوی بگره بلیم له به‌رچی وایه	ههٔ لایه‌لایه، روله لای‌لایه

ترجمه:

- آرام باش فرزند آرام و زیایم، از غم گریه‌هایت نالان و پریشانم.
- می‌گویی خسته‌ام از این حبس، از این دست‌های بسته (منظور قنடاق است)، از این لحاف چندلایه، از این در تنگ خسته‌ام.

- در میان کردان کسی بی بند نیست، این بند و قفل و حال بد ما از چیست؟
- پسرم عقل و حافظهٔ من از تو بیشتر است، تو را محکم می‌بندم تا مفهوم بند و زنجیر را بفهمی.

- لالا لالا فرزندم لالا، آرام بگیر تا برایت قصه‌های تلخ اسارت وطن را بگویم.
گرچه شاعر، اندوه بی‌پایان خود از ظلم حکومت پهلوی به کردها را تکرار می‌کند، اما به سیاق متون پایداری، پس از بیان غم و اندوه، با بیانی حماسی مبنی بر شجاعت و شرافت نژاد، اندوه خود را مقدس معرفی می‌کند. او ورای تلخ‌کامی اسارت و آوارگی - که خود سالیان بسیار به آن مبتلا بوده است - امیدوار به آزادی است:

راسته تو نه‌وهٔ شیر	نه‌ته‌وی پاکی گه‌لی
به‌لام چونکه کورد	به‌شیان له دنیا کوت و
بویه‌ت ده‌پیچم تا	نه‌ک تا من ماوم له به‌ندا
بو چاره‌ره‌شیت، نه‌ماوه	هر پیم خوش نیه
ههٔ لایه‌لایه، روله	هزار تی‌بینی دواروژم

ترجمه:

- راست است که تو نوه شیر ژیان و از نسل پاک قوم کرد هستی.

- اما چون امروز گرد تنها و بی کس است، سهمش در دنیا بند و محبس است.

- تو را محکم با بند قنناق می‌بندم تا عادت کنی و بعدها در زمان اسارت ننالی و خیلی

اذیت نشوی.

- به خاطر سرنوشت سیاهت سوئی در چشمانم نمانده، همان بهتر که چشم‌هایم خاموش

باشد تا مرگت را نبینم.

- لالا لالا فرزندم لالا، حتی اگر نسلت را بکشند، ذهن مبارز تو برجاست.

۲-۱-۳. ناز و نوازش توأم با هشدار

شاعر در ادامه لالایی بیداری خود، دوباره به ناز و نوازش کودک گریز می‌زند، ناز و

نوازشی که با اندوه عجین است. وی با بیانی عاطفی، عشق و محبت خود به فرزند را بیان می‌کند،

اما در نهایت به مخاطب می‌قبولاند که با این همه ستم، اگر برای پیروزی تلاشی انجام نشود، این

کودک و کودکان بسیار به دست ظالم حکومت پهلوی تباه می‌شوند:

بوت به‌خت ده کهم عومری در یژم سه‌د تال و سویرت له

نه‌مامی بالات به فرمیسکی چاو شه‌وو نیوه شه‌و، لیبی ده‌نیم

سه‌د چاک و پیرت بو ده‌خولیمه‌وه له بن سیهرت بحه‌سیمه‌وه

ههر ره‌سیده بوی نه‌ته‌وه زالم ده‌ت بری بزّه نایه‌ت به‌حالم

هه لایه‌لایه، روله لای‌لایه ناخ خاکک به‌سه‌ره‌م ره‌نجم

ترجمه:

- تمام دارایی و عمر طولانی‌ام را فدای یک تار مو و یک لحظه تو می‌کنم.

- نهال قامتت را با آب چشمانم، شب و نیمه‌شب و سپیده آبیاری می‌کنم.

- سرگردان و آواره کوی پیران و فرزندگان شده‌ام، شاید در کویت و زیر سایه‌ات آرام

بگیرم و لانه بسازم.

- می‌ترسم زمانی که مثل میوه برسی، پایت را در بند ظالم ببینم، می‌ترسم روزی آن دزد

جانی، زندگانی تو را بگیرد.

- ای لالا لالا فرزندم لالا، آخ خاک بر سرم، با این همه ظلم می‌دانم زحماتم برای تو بر

باد می‌رود.

۲-۱-۴. دعوت به مبارزه و نجات وطن

در ابیات بعدی، شاعر بی‌پرده تنها راه نجات را مبارزه و پایداری می‌داند و از فرزند خود و تمامی فرزندان ایران می‌خواهد که با قلم و شمشیر یعنی مبارزه علمی و مبارزه مسلحانه، استبداد حکومت پهلوی را در هم بشکنند:

سهربه‌ست پیت بلیم یه	په‌شیو پیت خوشه یه‌خسیرنه‌مین
وهخت و بی‌وهخت له‌خویندن	قه‌لم دست ده‌یه بیه مه‌کته‌بی
بکه‌ن هاواری‌حقی له‌ده‌س‌چو	ئه‌و کایه له‌گه‌ل کاکت دوبه‌دو
یه‌کتان به قه‌لم یه‌کتان به	ده‌س‌ده‌نه ده‌س یه‌ک به راو به
شیریش جه‌وه‌ری له‌قه‌لم دایه	هه له‌لایه لایه روله لای‌لایه

ترجمه:

- آواره شوی برایت بهتر از این است که اسیر شوی، سربسته به تو گفتم تا راحت را بدانی.
- قلم را بردار و مکتب را دایر کن، از خواندن و آموختن و ادب هیچ‌گاه غافل نشو.
- در حال بازی با برادرت، فریاد تظلم برای حق از دست‌رفته‌ات بردار.
- دست به دست هم با بانگ و تکبیر، یکی از شما با قلم و یکی با شمشیر مبارزه کنید.
- لالا لالا فرزندم لالا، شیر دایه شما جوهر قلم مبارزه است.

ابیات بعدی این لالایی، با بیانی حماسی و وطن‌دوستانه، به کودک گوشزد می‌کند که مام وطن منتظر اقدام شجاعانه اوست؛ وطنی که زیر یوغ استبداد رمقی برایش نمانده است. شاعر با حسن تعلیل و در قالب سؤالی بلاغی از طفل فایده‌داشتن سر را می‌پرسد و خود با شجاعت پاسخ می‌دهد که سر برای فدا شدن در راه آزادی است. شاعر وطن را مانند مادری می‌داند که در حال دعا برای فرزندان شجاع و انقلابی خود است؛ فرزندانی که برای نجات وطن در خاک و خون می‌غلتنند:

دایکمان هه‌ویای دواروژی	روله نیشتمان چاوی له‌ریته
خاوین راده‌گرم به‌سه‌د ره‌نج	بو‌یه نه‌ندامت وه‌ک مینای بی‌گه‌رد
توش بیگه‌وزینی له‌ناو خوین و	چاکم ده‌یه‌وه بو‌وه‌ته‌ن وه‌ک کور
بو‌پرده بازی ریی‌ئزادی یه	پیت بلیم روله‌سه‌ر سودی چه‌یه؟
نیشتمان بو‌تو ده‌سته‌و دو‌عایه	هه له‌لایه لایه روله لای‌لایه

ترجمه:

- فرزندم وطنم چشم به راه توست، مادرمان (وطن) نیازمند دوی توست.
- بوی اندامت مانند مینای بی‌گرد پاک است (با ایهام خطاب به وطن و کودک)، درحالی‌که صد درد و رنج بر تن داری.
- همانند کوری درراه وطن چاک‌چاک شده‌ام و تو باید زیر آفتاب برای دفاع از وطن در خون خود بغلتی.
- فرزندم به تو بگویم فایده‌ داشتن سر چیست؟ سر برای دادن در راه آزادی است تا مثل توپی غلتان در راه یاران باشد.
- ای لالا لالا فرزندم لالا، وطنمان برای پیروزی تو دست به دعا برداشته است (لالایی منقول از سلیمی و کهریزی، ۱۳۸۷).

۲-۲. لالایی‌های بیداری در اشعار ملّا آواره

یکی دیگر از شاعران کلاسیک کرد که با اشعار حماسی و انقلابی خود در دوران پهلوی، در راه اعتلای وطن تلاش بسیار کرد، ملّا احمد شلماشی (۱۳۱۱-۱۳۴۷ ش) روحانی انقلابی گرد بود. وی که در شهرستان سردشت در مهاباد به دنیا آمد، در برابر ظلم و ستم رژیم پهلوی سر به شورش برداشت و «به همراه هم‌زمانش سر به جنگل‌ها و کوه‌ها سپرد و پس از سال‌ها مبارزه چریکی در سال ۱۳۴۷ ش توسط رژیم پهلوی دستگیر و تیرباران شد» (سلیمی و کهریزی، ۱۳۸۷). تخلص شعری آواره، یادآور روزهای ایستادگی و مقاومت و آوارگی او و یارانش در دل کوهستان‌ها و دشت‌هاست.

از آن‌جا که ملّا آواره به دفاع از مردم مظلوم منطقه خود در برابر ظلم رژیم پهلوی به پا خاسته بود، در میان مردم محبوبیت بسیار داشت. زبان شعری او ساده و به دور از پیچیدگی‌های ادبی بود و همین امر، به مردمی‌شدن اشعار او یاری بسیار رساند؛ به نحوی که اشعار او جزء محبوب‌ترین شعرهای کردی در نزد مردم کردزبان بود. پس از تیرباران شلماشی، رژیم وقت، جنازه او و یارانش را در میدان‌های شهرهای مهاباد، سردشت، بوکان، بانه، سقز و پیرانشهر آویخت تا برای مردم درس عبرت شود، اما این موضوع نتیجه معکوس داد. «در این زمان لالایی‌های ملّا احمد شلماشی، ورد زبان مادران کرد شده بود و بعد از ایشان نسلی پدید آمد که به نغمه پرجوش و خروش لالایی‌های این مادران بالیده بود و آتش دادخواهی و آزادی‌خواهی در سر داشت» (همان).

این شاعر مبارز که خود در راه علم و دانش تلاش بسیار کرده بود، بر علم‌آموزی و تعلیم و تعلم و روشنگری، تأکید ویژه می‌ورزید و اعتقاد داشت روحانیون در راه مبارزه با رژیم شاه وظیفه‌ای سنگین دارند، به گونه‌ای که وظیفهٔ آنان تنها آموزش احکام نیست، بلکه مبارزهٔ اصلی، مبارزهٔ قلم و تبیین و روشنگری است. در ادامه، لالایی بیداری معروف این شاعر که در اصل ندای مبارزه بود، از کتاب *ژانرین* نقل می‌شود.

۲-۲-۱. آغاز آرام و غمیگن لالایی

ابتدای این لالایی نیز هم چون مورد قبل، با ناز و نوازش کودک آغاز می‌شود. سخن از طفلی است که در حال گریه و بهانه‌گیری و بی‌خوابی است و از این روی برای آرام کردن او باید شیرین‌ترین واژه‌ها را خطاب به او گفت:

خونچهٔ گولزاری باخچهٔ ژیانم	روله کورپه کهم، نارامی گیانم
سه‌رووت و مالم، نایین و دینم	جگه‌ر گوشه کهم، بهره‌می
هاوده‌نگی به‌زمی، روژ و شه‌وانم	هیز و ته‌وژم، بینای چاوانم
بنو درنگه به‌ری به‌یانه	روله گیان مه‌گری مه‌گره به‌هانه
کویر بی‌ئه و چاوهٔ به‌تو هه‌لنابه	ههٔ لایه لایه کورپهٔ ساوایه

ترجمه:

- فرزند شیرخواره‌ام، آرام جانم، غنچهٔ گلزار باغ زندگی‌ام.
 - جگر گوشه‌ام، حاصل عمرم، ثروت و دارایی و دین و آیینم.
 - قوت زانوهایم، بینایی چشمانم، هم‌راز روز و شب‌هایم.
 - فرزندم گریه نکن و بهانه‌نگیر، کودکم بخواب نزدیک است که صبح شود.
 - لالا لالا فرزندم لالا، کور شود چشمی که خوشی تو را نخواهد ببیند.
 در ادامه، شاعر نوازش کودکی را که به هیچ طریقی آرام نمی‌شود، ادامه می‌دهد. وی با استفاده از بیان بی‌قراری کودک و ناتوانی مادر، فضای بحرانی استبداد را فضا سازی می‌کند:

من بو تو چونم توش بو من وابه	هه‌رچه‌ند تو ده‌گری جه‌رگم
نازت ده‌کیشم هه‌تا ده‌توانم	تو شاگولی جوان من پاسه‌وانم
که کورپهٔ ساوای بیخه‌م و هرکه‌وی	دایک ئه‌وکاتهٔ دلی ده‌سره‌وی
ئال وگوریان کا گریان و زاری	یان به‌بزهٔ ئو به‌خه‌ندهٔ زاری

هه ُ لایه لایه کورپه ُ ساوایه قهزات له گیانم تاقانه ُ دایه

ترجمه:

- هر چقدر تو گریه کنی، جگرم کباب می‌شود، من برای تو این طوری‌ام، پس تو هم برای من این گونه باش.

- تو شاه گل زیبا و من پاسبان هستم، تا می‌توانم نازت را می‌کشم.

- مادرت وقتی آرام می‌گیرد که فرزندش در آغوشش تا صبح بخوابد.

- گاهی با خنده، زاری می‌کنی و گاهی با گریه، شروع به زاری می‌کنی.

- لالا لالا فرزندم لالا، بلایت به جانم، یکی یک دانه ُ مادر.

۲-۲-۲. ناز و نوازش توأم با هشدار

در ادامه ُ لالایی، شاعر از زبان مادر گُرد، از کودک گلایه می‌کند که تا زمانی که کوچک

است با گریه‌هایش او را بی‌تاب می‌کند و همین که بزرگ می‌شود، باید غم اسارت و آوارگی او را

تحمل کند. شاعر با این مقدمه، ذهن مخاطب را به آینده ُ کودکانی که در جوامع استبدادی متولد

می‌شوند، سوق می‌دهد و با زبان لالایی و اندوه، سرنوشت تلخ این فرزندان را روایت می‌کند:

هه تا بیستا که مندالی وردی خه لُف و نه مامی بیستانی

شکلی ناسکی نِهت داوه بای بال دهرت نه کردو په روخهت و

بی زمان بی سهر بی هوش و خه مبارم ده که ُ به گریه و

به لام به هیوای دوا روزم ساده ُ نه که ُ روله گیان ره نجم به

هه ُ لایه لایه کورپه ُ ساوایه دایهت ماندوووه بوچ خهوت نایه

ترجمه:

- تا الآن که تو کودک کوچکی، خلف نهال بستان گُردی.

- شکل نازکت بی پر و بی بال است و خط و خال در نیاورده‌ای.

- بی زبان، بی فکر، بی صبر و طاقت، صبرم را با گریه‌هایت می‌بری.

- تو را با این همه درد و رنج می‌پرورم، مبادا روزی رنجم را به باد بدهی.

- لالا لالا فرزندم لالا، مادرت خسته است، چرا نمی‌خوابی!؟

۳-۲-۲. تصویرسازی بند و زنجیر و امید به آزادی

در بند بعدی لالایی، شاعر آرزوی مادری کرد و آزاده را روایت می‌کند که امیدوارانه، آرزو

دارد فرزندی شجاع و مقاوم داشته باشد و در برابر ظلم و ستم، پایدار و نستوه باشد و از بند و زنجیر

و تهدید و شکنجه بیمی نداشته باشد. او آرزومند است که همهٔ کودکان با علم آموزی و شجاعت، توان مقابله با بیداد ستم‌شاهی را بیابند و در راه آزادی وطن، فداکاری کنند:

هیوم زور پینه وه ک باب و کاکت	بی سهر بازی نه ته وه و خاکت
به خیوت نه که م به گیان و به دل	نه که ُ بترسی و له هیچ بکه ُ
زانا و خوینده وار چاو و دل تیری	روژی ته نگانه پلینگ و شیر
لاویکی گورج و خاوهن هوش و	نه ترسی له به ند له کوت و
هه ُ لایه لایه، روله لای لایه	کورپه م دواروژ لاوی نازایه

ترجمه:

- آرزویم برای تو این است که مثل پدر و برادرانت، تا عمر داری سربازی برای وطن باشی.

- تو را با جان و دل بزرگ می‌کنم، مبادا هیچ وقت از هیچ چیزی بترسی.

- دانا و اهل مطالعه، چشم و دل سیر باشی، در روزهای تنگی و سختی مثل شیر و پلنگ

شجاع باشی.

- زیرک و هوشیار و دانا باشی و هرگز از بند و زنجیر و اسارت نترسی.

- لالا لالا فرزندم لالا، فردا با بانگ آزادی بیایی.

۲-۲-۴. دعوت به مبارزه و نجات وطن

در ادامهٔ لالایی، شاعر با بیانی حماسی، با تهییج کودک، او را از شرافت اجدادی‌شان

آگاه می‌کند و از کودک می‌خواهد که همانند پدران خود، در راه آزادی و دفاع از وطن و ناموس،

مقاوم و خستگی‌ناپذیر باشد:

کورم تو کوردی، تو بیچو شیری	نه ته وه ُ کاوه ُ نازا و دلیری
باب و بابیرت، خزم و کس و	زوریان کیشاوه، مهینه ت و نازار
بو پاریزگاری، مال و منالیان	قهت نه وستاوه، دهس و
توش وه ک ئه وان به، نه ترس و	بازی کیوی به، نه ک کهوی
هه ُ لایه لایه، روله لای لایه	هیوای دواروژم، له دهس تودایه

ترجمه:

- پسرم تو کُردی، تو بچهٔ شیری، از نسل کاوهٔ آزاد و دلیری.

- پدر و جدت، قوم و کس و کار تو و همهٔ خویشاوندانت، محنت و رنج بسیار کشیده‌اند.

- برای پاسداری از مال و ناموس، هرگز دست از کار نکشیدند.
- تو هم مثل آن‌ها نستوه و مقاوم باش، مانند باز در کوهستان باش، نه مثل کبک در قفس.
- لالا لالا، فرزندم لالا، فردای وطن در دست توست (لالایی منقول از سلیمی و کهریزی، ۱۳۸۷).

۳. نتیجه

مبارزهٔ قلمی و فرهنگی یکی از انواع ادب مقاومت است که به اشکال مختلف ظهور و بروز می‌یابد. یکی از این اشکال، مظاهر فرهنگ عامه از جمله لالایی است. از آن‌جا که جامعهٔ مخاطب لالایی در غالب اوقات اطفالی است که به ظاهر خطری برای حکومت‌های مستبد یا نیروهای مهاجم ندارند و از طرفی بیشتر به صورت شفاهی نقل می‌شود و سندیت سایر آثار مکتوب را ندارد، چندان مورد اعتنای حکومت‌ها واقع نمی‌شده است. در ادبیات معاصر کردی نوعی از لالایی وجود دارد که کارکرد اصلی آن مبارزه است. در دوران معاصر و در جریان مبارزهٔ مردمی با رژیم پهلوی، شاعران کردزبان نیز با خلق آثار و اشعار تهییج‌کننده و آگاهی‌دهنده در پهلوی‌ستیزی با مردم هم‌گام و هم‌صدا شدند و در مسیر مبارزات ضد استبدادی و بیداری اسلامی روش‌ها و شیوه‌های گوناگونی را به کار بستند که یکی از این شیوه‌ها، سرایش لالایی‌های بیداری بود. همان‌گونه که اشاره کردیم چون لالایی‌ها چندان مورد توجه حکومت نبود و تنها ابزاری برای سرگرمی و آرامش کودکان تصور می‌شد، شاعران گرد با تیزهوشی و کیاست و برای فرار از سانسور و عواقب احتمالی اعتراض و انتقاد، این بخش از ادب عامه را زمینه‌ای برای بیان اندیشه‌های مبارزاتی و مخالفت خود با حکومت پهلوی و بیداری اذهان قرار داده بودند.

نگارنده در پژوهش پیش‌رو، با بررسی لالایی‌های بیداری هزار و ملاًآواره، به تحلیل مؤلفه‌های پایداری و مبارزه‌ای این شاعران علیه حکومت پهلوی پرداخت. براینده تحقیق نشان می‌دهد که ساختار لالایی‌های مورد مطالعه در این مقاله یکسان و دارای کارکرد مبارزه‌ای هستند. هر دو شاعر، لالایی‌های خود را بیانی عاطفی در قالب ناز و نوازش کودک و صبر مادر در برابر گریه‌های طفل آغاز می‌کنند؛ سپس با بیانی نمادین، گریه‌های کودک را مقدمه‌ای برای دردها و گریه‌های بزرگ‌سالی او معرفی کرده و بند قنناق را به بند و زنجیر حکومت پهلوی تشبیه کرده‌اند. پس از این مقدمه، شاعران از زبان مادر غم و اندوه ناشی از بیداد رژیم پهلوی نسبت به مردم ایران و به‌ویژه قوم کرد را با بیانی واقع‌گرا بیان می‌کنند و پس از آن با بیانی حماسی، اصل و نسب و شرافت ایرانیان و قوم کرد را ذکر کرده و کودک را به مبارزه و پایداری حتی به قیمت اسارت و ازدست‌دادن جان،

تهییج می‌کنند. در نهایت، شاعران کسب علم و دانش و مبارزهٔ قلمی را یکی از راه‌های مهم ضربه‌زدن به استبداد معرفی می‌کنند و از کودک می‌خواهند همواره در راه کسب دانش پرتلاش باشد. با توجه به لالایی‌های موردنظر، تفاوت چندانی میان ساختار و درون‌مایهٔ دو لالایی مشاهده نشد.

فهرست منابع

۱. احمدپناهی سمنانی، محمد (۱۳۷۷). ترانه و ترانه‌سرایی در ایران. تهران: سروش
۲. اخترشهر، علی (۱۳۹۹) جایگاه زنان در انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر بیداری اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی. فصل‌نامهٔ بیداری اسلامی، ۹(۱)، ۲۸۰-۲۵۷
۳. پارسا، سیداحمد و شهربانو حسین‌پناهی (۱۴۰۲) تحلیل و بررسی لالایی‌های بیداری. دو ماه‌نامهٔ فرهنگ و ادبیات عامه، ۱۱(۴۹)، ۳۶-۱
۴. جعفری، اکبر (۱۳۹۵). بررسی اشتراکات محتوایی لالایی‌ها در گونه‌های زبانی غرب ایران، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. به راهنمایی مالک شعاعی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد دره‌شهر
۵. جلیلیان، عباس (۱۳۸۶) شعر کلاسیک کردی: مروری بر ادبیات کودک و نوجوان در زبان کردی. فصل‌نامهٔ شعر گوهران، ۱۵، ۱۹۹-۱۹۵
۶. حبیبی، فاطمه (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناختی ترانه‌های فولکلور کردی (با تأکید بر لالایی‌ها). پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. به راهنمایی محمدتقی شیخی. دانشگاه الزهرا (س)
۷. خیرمقدم، گل‌آذین (۱۳۹۹). مطالعهٔ ساختار محتوایی، فرهنگی و اقلیمی در لالایی‌های کردزبان ایران. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. به راهنمایی غلامرضا طوسی‌ان. دانشگاه پیام نور تهران شرق
۸. داد، سیما (۱۳۸۵). فرهنگ اصطلاحات ادبی. چاپ سوم. تهران: مروارید
۹. ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۴). زبان و ادبیات عامهٔ ایران. تهران: سمت
۱۰. ریاحی، حسن و میترا سعیدی (۱۳۸۵) لالایی‌های مادران کرد (با تأکید بر مضامین مذهبی). مطالعات هنر اسلامی، ۲(۴)، ۴۲-۳۱
۱۱. زندرجمی، مینا؛ هادی‌پور، هدی و حمیده کمالی‌مقدم (۱۳۹۹) بررسی انتقال مؤلفه‌های پایداری در فرایند ترجمه: مطالعهٔ موردی ترجمهٔ انگلیسی سعید سعیدپور از اشعار قیصر امین‌پور. فصل‌نامهٔ بیداری اسلامی، ۹(۱۸)، ۸۳-۶۵

۱۲. ژاله، شکوفه (۱۳۹۸). بررسی عناصر ادب پایداری در لالایی‌های فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی نفیسه رئیسی. دانشگاه یزد
۱۳. سلیمی، هاشم و ثریا کهریزی (۱۳۸۷). ژانه‌ژین: لالایی‌های مادران کرد. تهران: آنا.
۱۴. سنگری، محمدرضا (۱۳۸۳) ادبیات پایداری. مجله شعر، ۳۹، ۴۵-۵۳
۱۵. شکری، غالی (۱۳۶۶). ادب مقاومت، گردآوری و ترجمه: محمدحسین روحانی. تهران: نشر نو
۱۶. صرفی، محمدرضا (۱۳۹۳) گستره ادبیات پایداری. مجله ادبیات پایداری، ۶(۱۰)، ۲۰۷-۲۳۸
۱۷. صفی‌زاده، فاروق (۱۳۷۵). پژوهشی درباره ترانه‌های کردی. تهران: ایران جام
۱۸. طالب‌پور، دانا (۱۴۰۱) رهیافت تطبیقی تبلور اندیشه بیداری اسلامی در سروده‌های سمیح صباغ و قیصر امین‌پور. فصل‌نامه مطالعات بیداری اسلامی، ۱۱(۳)، ۲۷-۵۳
۱۹. عمرانی، سید ابراهیم (۱۳۸۱). لالایی‌های ایرانی. تهران: پیوند نو
۲۰. قادرزاده، امید و خالد میارغنج (۱۳۹۶) بازنمایی فرهنگ سیاسی در شعر کردی: تحلیل محتوای اشعار هژار و هیمن. مجله جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۸(۶۵)، ۳۳-۵۲
۲۱. کردو، قانات (۱۳۹۴). تاریخ ادبیات کردی. ترجمه: عباس فرهادی توپکانلو. قم: عمو علوی
۲۲. گاربارینو، مروین (۱۳۷۷). نظریه‌های مردم‌شناسی. ترجمه: عباس محمدی اصل. تهران: آوای نور
۲۳. محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۷). ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران). به کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: چشمه
۲۴. مشتاق‌مهر، رحمان و آمینه فیضی (۱۳۹۹) سیمای جامعه کرد در لالایی‌های کردی. فصل‌نامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۱۰(۱)، ۸۹-۱۰۸
۲۵. میهن‌دوست، محسن (۱۳۵۵). کله فریاد (ترانه‌های خراسان). تهران: مرکز مردم‌شناسی ایران